

تحلیل الگوهای مهاجرت فصلی و چرخشی سالانه نیروی کار روستایی به شهر، مطالعه موردی: شهرستان سروآباد

فرزاد ویسی^۱
چنورنیکخواه^۲

چکیده

مهاجرت یکی از چهار عامل اصلی تغییرات جمعیتی است مهاجرت فصلی و چرخشی نیروی کار روستایی به شهر یکی از منابع درآمدی خانوارهای روستایی در برخی نواحی روستایی می باشد. این پژوهش در نظر دارد الگوهای مهاجرت فصلی و دوره ای نیروی کار روستایی به شهر را تحلیل نماید. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر روش انجام توصیفی- تحلیلی می باشد. جمع آوری داده‌ها بر اساس مطالعات اسنادی و روش میدانی است که در روش میدانی از پرسشنامه و مشاهده استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق تمام سرپرستان خانوارهای روستایی شهرستان سروآباد را شامل می شود. روایی پرسشنامه از طریق ارائه به اساتید و کارشناسان که سابقه پژوهش‌های مشابه را داشتند تایید گردید و پایایی پرسشنامه نیز با محاسبه آلفای کرونباخ (میانگین ۰.۸۱ برای تمام شاخص‌ها) انجام پذیرفت و با توجه به تعداد کل خانوارهای روستایی شهرستان تعداد ۳۲۴ نفر به عنوان نمونه بر اساس فرمول کوکران انتخاب گردیده اند و از کل ۶۰ روستای موجود ۱۳ روستا (۲۰ درصد روستاهای شهرستان) به صورت تصادفی انتخاب شده اند در هر روستا نیز به تعداد مساوی پرسشنامه از سرپرستان خانوار تکمیل شد. با مقایسه وضعیت ۵ نوع دارایی خانوار در دو قسمت مهاجران و غیر مهاجران مشخص شد در ۳ نوع سرمایه

۱ - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

Email: geoplan1392@gmail.com - Ter: 09188719114

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور

فیزیکی (مهاجرین: ۴,۵۶ غیر مهاجرین: ۴,۴۲) و مالی (مهاجرین: ۳,۲۸ غیر مهاجرین: ۲,۹۱) و انسانی (مهاجرین: ۳,۵۱ غیر مهاجرین: ۳,۰۲) وضعیت مهاجران بهتر از غیر مهاجران است و در ۲ سرمایه اجتماعی (مهاجرین: ۳,۳۹ غیر مهاجرین: ۳,۷۸) و طبیعی (مهاجرین: ۱,۶۳ غیر مهاجرین: ۲,۷۳) وضعیت غیر مهاجران مناسب تر است. همچنین در سرمایه کلی (مهاجر: ۳,۵۱ غیر مهاجر: ۳,۱۹) وضعیت مهاجران بهتر بوده و در سرمایه عینی یعنی سرمایه فیزیکی (۴,۵۶) و طبیعی (۴,۴۲) نیز غیر مهاجران وضعیت مناسب تری دارند. با توجه به نتایج بدست آمده می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که وضعیت مهاجران فصلی و چرخشی که به طور منظم و سالانه اقدام به مهاجرت می نمایند در دو الگوی ذکر شده یعنی مهاجرت از روی ناچاری و مهاجرت انباشتی، در الگوی مهاجرت انباشتی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: مهاجرت فصلی، مهاجرت چرخشی، الگوهای مهاجرت، سروآباد، مهاجرت

روستایی - شهری

مقدمه و طرح مساله:

سازمان فضایی سکونتگاههای انسانی در قالب روستا و شهر و ضرورت تامین نیازهای انسانی منجر به انواع روابط بین این سکونتگاهها از زمان یکجانشینی انسان شده است این روابط شامل جریانهای طبیعی مردم، غذا، پول و سرمایه و ایدهها و عقاید می شود (لینچ، ۲۲، ۱۳۸۶). شهرها با روستاها روابط متقابل فضایی و عملکردی زیادی دارند؛ از جمله این مهاجرت پدیدهها تحرکات مکانی جمعیت به صورت مهاجرت‌های روستایی - شهری است (ظاهری و کارگر، ۱۳۹۶، ۱۶۱). به عنوان تغییر فضایی یا حرکت انسان از یک مکان به مکان دیگر، گاهی در فواصل طولانی و با تعداد زیاد انجام می شود (Madu and uma, 2014, 399). مهاجرت یکی از عوامل اصلی تغییرات جمعیتی است مهاجرت بین سکونتگاههای شهری - روستایی در حد متناسب، بخشی از جریان منطقی تعامل فضایی بین آنها به شمار می رود که برای تداوم فرایند توسعه و تکامل این جوامع ضروری است (جمعه پور، ۲۷، ۱۳۸۶). در یک طبقه بندی کلی مهاجرت‌ها به دو نوع مهاجرت داخلی و بین المللی تقسیم می شود. مهاجرت داخلی یکی از نیروهای هدایت کننده برای

شهرنشینی در تمام دنیا است و یکی از نگرانی‌ها در آسیا و کشورهای در حال توسعه است به دلیل افزایش شدیدی که پیدا کرده است (Lyer, 2017, 105). مهاجرت روستایی شهری جزئی اجتناب ناپذیر از فرایند توسعه است و لزوماً نباید منجر به اثرات نامطلوب شود. با ترکیبی مناسب از سیاست‌ها این فرایند می‌تواند در یک سطح قابل قبول اجتماعی رخ دهد (Madu and uma, 2014, 399)؛ به علت پیامدهای بالقوه منفی، مهاجرت مورد توجه اغلب سیاستمداران در کشورهای مختلف بوده است (عبدالله زاده و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۷۴).

در مورد دلایل انجام مهاجرت‌های روستایی- شهری و پیامدهای آن تحقیقات زیادی صورت گرفته است و شاخه‌های مختلف علوم انسانی هر کدام بخشی از آن را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند. دلایل گوناگونی به عنوان عوامل اصلی مهاجرت‌های روستایی- شهری ذکر شده است و این عوامل شامل عوامل اقتصادی، طبیعی، اجتماعی و فرهنگی بوده که بسته به دیدگاه نظری محققین و شرایط حاکم بر نواحی مختلف بوده است در این بین عوامل اقتصادی غالباً نقش مهمتری ایفا کرده‌اند (گریفین، ۱۳۸۴، تودارو، ۱۳۶۷، pacion 2005, 484). در مورد پیامدهای مهاجرت به طور کلی و مهاجرت روستایی- شهری به طور خاص دو دسته نظریات خوشبینانه و بدبینانه وجود دارد (De Haas, 2008, 7). در دهه اخیر چرخشی به سمت دیدگاه خوشبینانه که معتقد به اثر مثبت مهاجرت می‌باشد روی داده است. در ابعاد داخلی، مهاجرت می‌تواند دایمی یا موقت و چرخشی باشد (Zelege and et al, 2012, 5). الف، مهاجرت قطعی (دایمی) ب، مهاجرت فصلی (موقت) ^۱.

مهاجرت دایمی به آن دسته از مهاجرت‌ها گفته می‌شود که روستاییان به دلایل متعدد، روستا موطن خود را ترک گفته و برای همیشه با خانوار خود به شهرها می‌روند و در آنجا اسکان می‌یابند. مهاجرت فصلی به آن دسته از مهاجرت‌ها که کشاورزان در مواقع بیکاری سالیانه به مناطق دیگر به ویژه شهرها رفته و چند ماه از سال را به ارائه خدمات در آن مناطق می‌پردازند و پس از فصل بیکاری کشاورزی به روستای خود باز می‌گردند گفته می‌شود.

^۱ از نظر ترمینولوژی در زبان انگلیسی برای مهاجرت و جابجایی های فصلی نیروی کار واژه های گوناگونی به کار می‌رود که مهمترین آنها عبارتند از، seasonal, short term temporary, circular, که با این وجود به نظر می‌رسد مهمترین اصطلاحات seasonal, circular باشد.

شود (چیذری، ۱۳۸۵، ۲۹۶). مهاجران فصلی مثل همه مهاجران دیگر، خانوار را برای بخشی از سال در جستجوی کار ترک می‌کنند اما دوباره نزد خانوار باز می‌گردند به طور خاص آنها نشان داده‌اند که بین فصول فعالیت در مزرعه اقدام به مهاجرت می‌کنند (Debraw and Hiragaya, 2004, 7). در مورد مهاجرت فصلی همچنین گفته شده که مهاجرت فصلی به وسیله ماندن بخشی از سال در روستا و حرکت در بخشی دیگر از سال تعریف می‌شود (Rogally, 2003, 623).

مهاجرت‌های فصلی یا موقت^۱ نیروی کار روستایی به شهرها یکی از انواع مهاجرت‌های داخلی است که بخصوص در کشورهای در حال توسعه هر ساله تعداد زیادی از روستاییان مبادرت به انجام آن میکنند. در بعضی از کشورهای در حال توسعه تعداد آن دهها میلیون نفر ذکر شده است (Mendola, 2006, 2, kumar and ajay, 2014, 10-11). واژه مهاجرت فصلی یا چرخشی برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و عمدتاً در ادبیات انسان‌شناسان و جمعیت‌شناسان در مورد شهرنشینی، توسعه روستایی و مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه به کار رفت (Newland, 2009, 5). این نوع مهاجرت از دیرباز در کشورهای مختلف رواج داشته است و بیشتر در مناطق کوهستانی دیده می‌شود که فصل سرما طولانی و کشاورزی ضعیف است علت اصلی مهاجرت فصلی کمبود زمین است این موضوع اثبات شده است که نسبت زمین به انسان، فاکتور عمده در تصمیم کارگران روستایی به مهاجرت به دیگر نواحی است. فاکتور دیگری که تصمیم به مهاجرت فصلی را متاثر می‌کند نابرابری در رشد اقتصادی است که به دلیل نابرابری توسعه کشاورزی و صنعتی است (Heberfield, 1999, 473). علاوه بر کمبود زمین و کسب درآمد بیشتر در نواحی شهری، به طور خاص اگر نابرابری شهری-روستایی زیاد باشد مهاجرت فصلی اتفاق می‌افتد (Debraw and Hiragaya, 2004, 7). عده‌ای از محققین داخلی نیز معتقدند که با توجه به پایین بودن درآمد افراد روستایی، آنها با نیت جستجوی کار فصلی به شهر و روستاهای دیگر مهاجرت میکنند تا خلاء اقتصادی زندگی خود را جبران نمایند (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۳). عده‌ای دیگر از محققین نیز علت مهاجرت را میزان بالای فقر و نبود

^۱ -Circular, Seasonal, Temporary migration

امنیت غذایی در مبادا همچنین وجود فرصت‌های شغلی در مقصد می‌دانند (Jill, 2003, 1). محققین همچنین معتقدند که برنامه‌های عمده و کلان ضد فقر روستایی میزان مهاجرت-های کوتاه مدت (موقت) به نواحی شهری را کاهش می‌دهد (Imbert and Papp, 2016, 8).

انتقال درآمد کسب شده یا پول‌های ارسالی یا حواله جات^۱ توسط مهاجران فصلی که به دلیل نوع زندگی در شهر بخش ناچیزی از آن را هزینه می‌کنند و مابقی آنرا به روستای مبدا هزینه می‌کنند اقتصاد محلی را متاثر می‌کند. پول‌های ارسالی صرف‌نظر از اینکه در مصرف یا در سرمایه‌گذاری بکار افتد اتفاق نظر هست که اثر مثبتی بر شکوفایی اقتصادی دارد (اسکلدون، ۱۳۸۴، ۳). در واقع در روستاهایی که دارای مهاجرت فصلی هستند روستاییان یک استراتژی عمومی را برای معیشتشان انتخاب نمی‌کنند بلکه با توجه به شرایط و امکانات از استراتژی‌های مختلفی استفاده می‌کنند (Abdour rafique, 2003, 4). که مهاجرت فصلی نیز ممکن است یکی از گزینه‌ها باشد.

در ایران نیز این نوع مهاجرت بخصوص در نواحی کوهستانی و کمتر توسعه نیافته هر ساله توسط تعداد زیادی از روستاییان انجام می‌شود. با وجود اینکه هر ساله تعداد زیادی از نیروی کار روستایی اقدام به مهاجرت فصلی به شهرها می‌کنند و این نوع مهاجرت تاثیر زیادی بر اقتصاد روستایی دارد و یکی از منابع درآمدی خانوارهای روستایی در نواحی کوهستانی می‌باشد با وجود این تعداد پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه بسیار کم است. تحقیقات انجام شده نیز اگرچه بسیار محدود می‌باشند عموماً پیامدهای مهاجرت فصلی را مد نظر داشته‌اند و بخشی هم مهاجران فصلی را در مقصد مورد بررسی قرار داده‌اند (ناطق پور و مقصودی، ۱۳۸۰، مشفق و یاراحمدی، ۱۳۸۶، ۱۵۷، عفتی، ۱۳۸۳، خانی، ۱۳۸۳). شروع مهاجرت فصلی نیروی کار روستایی در شهرستان سروآباد (یکی از شهرستان‌های استان کردستان) به چند دهه پیش و همزمان با افزایش ارتباطات، سرازیر شدن سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی به شهرها، انجام اصلاحات ارضی، رشد بالای جمعیت

¹ - Remittances

روستایی و رشد نابرابریهای منطقه ای و رشد تفاوت درآمدهای شهری- روستایی باز میگردد. علیرغم اینکه مهاجرت فصلی نیروی کار روستایی به شهرها سالانه و به شیوه یکسانی تکرار می شود به نظر می رسد اثر آن بر خانوارهایی که دارای فرد مهاجر فصلی هستند متفاوت است. این اثر متفاوت، منجر به شکل گیری الگوهایی در این مهاجرت‌های فصلی می شود که در دو الگوی مهاجرت انباشتی و مهاجرت از سرناچاری (مهاجرت اجباری) خلاصه می شود در این تحقیق در پی آن هستیم که مشخص نماییم مهاجرت‌های فصلی نیروی کار روستایی در این محدوده که عمدتاً هم به سمت پایتخت صورت می گیرد چه اثرات معیشتی به دنبال داشته و در کدام الگو جای می گیرد؟

چارچوب نظری

مهاجرت از عوامل اصلی تغییر و تحول جمعیت و مهم ترین عامل بیرونی تغییر در ساختار فضایی جمعیت محسوب می شود (قلندریان و داداش پور، ۱۳۹۶، ۲۲۶).

به دلیل ابعاد وسیع و علل و پیامدهای گسترده ای که در مورد مهاجرت مطرح است نظریات مختلفی در مورد مهاجرت ذکر شده است. در مورد مهاجرت فصلی به طور اخص، هبرفیلد^۱ معتقد است این موضوع اثبات شده که نسبت زمین به انسان، فاکتوری عمده در تصمیم گیری کارگران روستایی به مهاجرت به نواحی دیگر است. فاکتور دیگری که تصمیم مردم برای مهاجرت را متاثر می کند نابرابری ناحیه ای در رشد اقتصادی است که به دلیل نابرابری توسعه کشاورزی و صنعتی است (Heberfield, 1999, 473).

الان دبراو و هیرگایا^۲ در مورد مهاجرت فصلی معتقدند علاوه بر کمبود زمین و کسب درآمد بیشتر در نواحی شهری، به طور خاص اگر نابرابری شهری روستایی زیاد باشد مهاجرت فصلی اتفاق می افتد (Debraw and Hiragawa, 2004, 7). ویجی کورا^۳ در مورد عوامل شروع مهاجرت فصلی نبود فرصت اشتغال، از دست دادن محصول کشاورزی و نبود فرصت‌های جایگزین در کشاورزی در دوره کشاورزی را عوامل شروع مهاجرت فصلی می

^۱ - Heberfeild

^۲ - Debraw and Hiragawa

^۳ - Korra

داند (Korra, 2010). جرارد جیل^۱ معتقد است عوامل جذب دفع در به وجود آوردن مهاجرت فصلی نقش دارند عوامل جذب در مقصد شامل فرصتهای شغلی و دافعه‌ها عدم وجود فرصتهای شغلی در مبداء و نبود امنیت غذایی ذکر شده است (Jill, 2003, 1). موضوع قابل اهمیت و غیر قابل انکار در مورد مهاجرت فصلی روستایی - شهری نیروی کار این است که بر خلاف مهاجرت‌های روستایی - شهری دائمی که عوامل مختلفی در به وجود آوردن آن دخالت دارند در به وجود آوردن مهاجرت‌های فصلی مهمترین عامل اقتصادی بوده و محققین ذکر شده هم این موضوع را تایید کرده اند. مهاجرت فصلی یکی از منابع درآمدی و یکی از استراتژی‌های معیشتی خانوارهای روستایی برای فائق آمدن بر موانع درآمدی خانوار می باشد و معیشت خانوار را به گونه ای مثبت متاثر می نماید. پذیرش اثر مثبت مهاجرت، تغییرات حادث شده در تئوری‌های مهاجرتی بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی را به ذهن متبادر می کند که معتقد به اثر مثبت مهاجرت بر توسعه هستند (De, Hass, 2008, 48). اسکلدون، (۱۳۸۴). از نظر منطقی هم نمی توان منکر این موضوع شد که مهاجرت ممکن است هر دو اثر مثبت و منفی را داشته باشد این موضوع را نیاستی از ذهن دور بداریم که ارتباط مهاجرت و توسعه پیچیده است (Guinness, 2002, 54). در واقع تغییرات ایجاد شده در نظریات مهاجرتی به نوعی نسبی گرایی و تکثر گرایی هم رسیده است (Hein De Haas, 2007, 4). این تغییر پارادایمی در زمینه رویکردهای مهاجرتی ۳ دیدگاه را معرفی نموده که شامل: رویکردهای اقتصاد جدید مهاجرتی نیروی کار، رویکرد معیشتی و دیدگاه فراملی می باشد. یکی از رویکردهای جدید که حدود دو دهه از معرفی آن می گذرد و تاکنون در تحلیل‌های مهاجرتی کشورمان مورد توجه نبوده رویکرد معیشتی به مهاجرت می باشد.

رویکرد معیشتی دیدگاهی جدید به مهاجرت است که متفاوت با رویکردهای گذشته است این دیدگاه مهاجرت را به عنوان شیوه ای برای معیشت می نگرد و با پذیرش آثار مثبت آن، کارایی مهاجرت را وضعیت ناحیه ای می داند که مهاجرت در آن اتفاق می افتد این رویکرد

¹ - Jerard Jill

با کارهای رابرت چمبرز مطرح گردید. معیشت به معنی زندگی و زنده بودن^۱، توانایی‌ها^۲، دارایی‌ها و فعالیت‌هایی^۳ است که رای زندگی و زنده بودن مورد نیاز است (chambers, 2005, 5). معیشت طبق آنچه تعریف شد مشتمل بر توانایی‌ها، دارایی‌ها (شامل هر دو بعد مادی و منابع اجتماعی) و فعالیت‌هایی است که برای زندگی مورد نیاز است. در واقع معیشت فقط فعالیت‌هایی که درآمدی را برای خانوار تولید می‌کند شامل نمی‌شود، بلکه شمول آن نهادها، اجتماعی، روابط فراخانواری، مکانیزم‌های دسترسی به منابع در طول دوره زندگی را در بر می‌گیرد. محققین این رویکرد معتقدند که مردم در نواحی در حال توسعه و کشورهای جهان سوم، معیشت خود را در میان این مجموعه از دارایی‌ها و سرمایه‌ها شکل می‌دهند و شناخت معیشت آنها از طریق شناخت این چارچوب‌ها امکان‌پذیر است. رویکرد معیشتی، فقر را فراتر از ناکافی بودن درآمد می‌داند (Wedington, 2003, 5). مردم و خانوارها برای گذران معیشت خود به پنج دسته از سرمایه‌ها نیاز دارند که اعضای خانوار به آن دسترسی داشته یا مالک آن هستند و شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱) سرمایه طبیعی (زمین، آب، درخت، دام، حق آبه، حق مرتع)
- ۲) سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها، اتحادیه‌ها، اعتماد، مشارکت، همبستگی)
- ۳) سرمایه انسانی (مهارت، آموزش، سلامتی)
- ۴) سرمایه فیزیکی (کالاهای سرمایه‌ای تولیدی، ساختمان‌ها ابزار و جاده‌ها و دسترسی)
- ۵) سرمایه مالی (پس انداز، پول، دسترسی به وام و قرض)

این دارایی‌ها نمایی کلی است و همه منابعی که مردم می‌توانند به وسیله آن معیشت خود را بسازند شامل نمی‌شود. رویکرد معیشتی مفهومی مردم‌محور و کلی‌گرایانه است تا از طریق آن یک دیدگاه یکپارچه از اینکه مردم چگونه در درون شرایط متحول اجتماعی، نهادی، سیاسی، اقتصادی و محیطی زندگی می‌کنند ترسیم نماید. راهبرد معیشتی را می‌توان

¹ -living

² -capability

³ -activity

به عنوان انتخابی آگاهانه و راهبردی از ترکیب فعالیت‌ها توسط خانوارها و اعضای آن و افراد به عنوان وسیله‌ای جهت بقاء، امنیت و بهبود معیشت آنها تعریف کرد (Hein De 2007, 2). سونز^۱ سه نوع از استراتژی‌های معیشتی را در کشورهای در حال توسعه که خانوارهای روستایی برای حفظ معیشت خود انتخاب می‌کنند ذکر کرده است. ۱- کشاورزی فشرده و گسترده؛ ۲- متنوع کردن معیشت شامل کار برای دستمزد و راه اندازی کسب و کار در روستا؛ ۳- مهاجرت از روستا (Timalsina, 2007, 32). در این صورت مهاجرت می‌تواند به عنوان یکی از استراتژی‌های خانوارهای روستایی برای متنوع کردن درآمد، اطمینان بخشی و بهبود اساسی در معیشت خانوارها مطرح باشد (شکل ۱) که اغلب با استراتژی‌های دیگری مثل کشاورزی فشرده و فعالیت‌های غیر زراعی محلی ترکیب می‌شود. رویکرد معیشتی می‌تواند به عنوان چارچوبی برای فهم و تحلیل بهتر مهاجرت‌های فصلی به کار رود. این رویکرد در مورد توسعه بر واقعیت‌های زندگی مردم تمرکز دارد. تحقیقات تجربی در مورد معیشت روستایی این موضوع را اثبات کرده که مهاجران داخلی و بین‌المللی، بعد از مهاجرت نیز پیوندهای نزدیک خود را با اجتماعات مبدأ حفظ می‌کنند (Mac Dowel and De Haan, 1997, 1). این موضوع درست نیست که افراد یا مهاجرت از مبدأ را انتخاب می‌کنند و یا در مبدأ ماندگار بوده و مهاجرت نمی‌کنند بلکه معمولاً هر دو کار را با هم انجام می‌شود. در واقع مهاجرت دائم از روستا به شهر یا ماندگاری در روستا نایستی به عنوان تمام گزینه‌ها دیده شود بلکه اغلب ترکیب می‌شوند یعنی روستایی هم به شهر مهاجرت فصلی دارد هم کشاورزی را در روستا ادامه می‌دهد در این صورت هم از فعالیت کشاورزی و هم از کار در شهر کسب درآمد می‌کنند و با این روش می‌تواند کمبود درآمد خود از کشاورزی را که به دلیل کم بودن میزان زمین، ناچیز است جبران کنند. رویکرد معیشتی از رویکردهای اقتصادی محدود بین پیشین و تحلیل‌های سیاسی و نهادی مارکسیست‌ها در فهم پدیده مهاجرت فراتر می‌رود و مهاجرت را استراتژی می‌داند که به وسیله خانوارها یا اجتماعات برای ارتقاء معیشت خودشان اتخاذ می‌شود. تئورهای اخیر مهاجرتی فراتر از تئوری‌های اقتصادی نئو کلاسیک و تفسیر ساختارگرایان است و ترکیب

چشم انداز معیشت و محرومیت اجتماعی است. بر اساس نظر کوتری (kothri,2003) استراتژی معیشتی متنوع و چندگانه است اما مهاجرت به عنوان جزء کلیدی برای تعدادی از مردم فقیر در کشورهای در حال توسعه باقی مانده است. (Zelke and et al,2012,9). این رویکرد استدلال می‌کند که مهاجرت یکی از اجزای پایدار استراتژی معیشتی مردم در مناطق روستایی است این رویکرد بر نیاز به چشم اندازی مردم محور و چندرشته‌ای تأکید دارد و این موضوع که معیشت مردم، به یک بخش اقتصادی محدود نشده است بر اساس نظر طرفداران این رویکرد مهاجرت فصلی به یک راهبرد معیشتی عمومی برای خانوارهای فقیر تبدیل شده است که به نوسانات فصلی درآمدی کمک می‌کند و خانوار پول بیشتری به دست می‌آورد تا درآمد را افزایش دهند و به طور مثبت به کاهش فقر کمک می‌کند (همان، صفحه ۱۰).

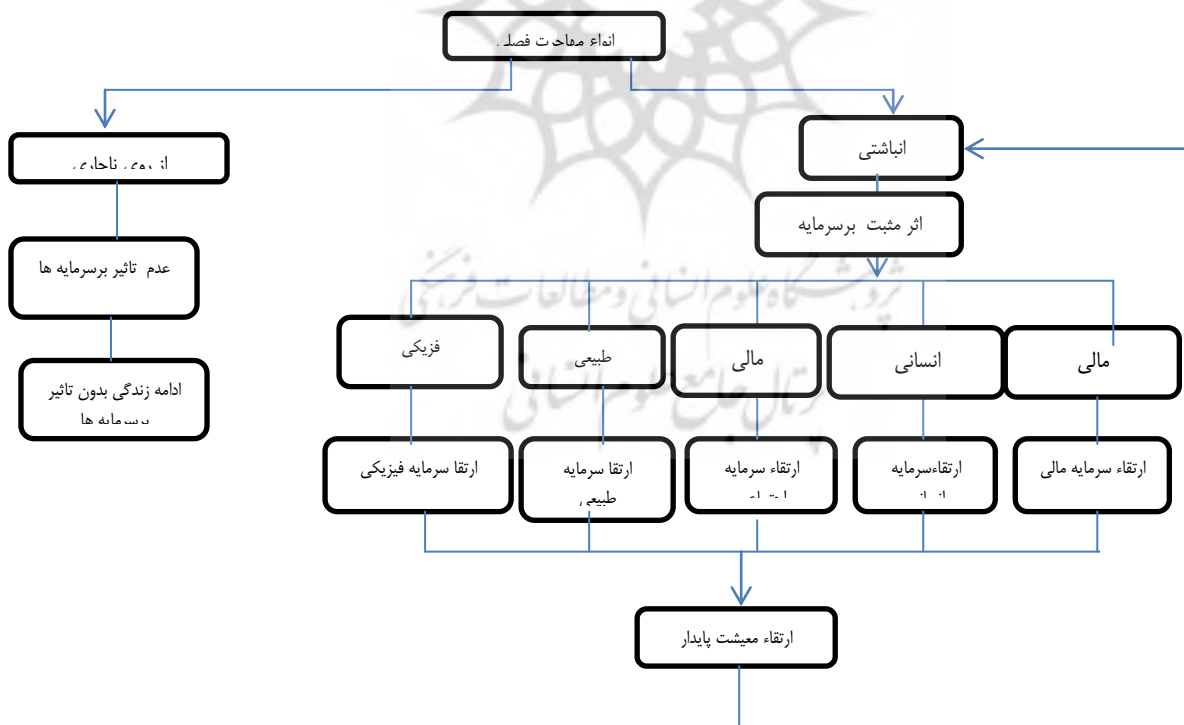


رابطه مهاجرت فصلی و بهبود معیشت. منبع: Ellis,2013

شکل (۱): رابطه مهاجرت فصلی و بهبود معیشت

در مورد الگوهای مهاجرت فصلی عموماً محققین به دو گونه از الگوها معتقدند: ۱- الگوی مهاجرت از روی ناچاری و برای زنده ماندن ۲- الگوی مهاجرت انباشتی (Deshingkar and Farrington, 2009, 18, Rogaly and rafique, 2003). در مورد الگوی اول و آنچه به مهاجرت از روی ناچاری از آن یاد شده در واقع مهاجر برای ادامه حیات و حفظ بقای خود و خانواده اقدام به مهاجرت می کند و گزینه مناسبتری پیش روی ندارد در واقع در این الگو مهاجر فصلی روستایی به دلیل دسترسی نداشتن به حداقل نیازها ناچار از مهاجرت فصلی است این الگو ممکن است در طی زمان و با آموزش به صورت رسمی و غیررسمی قابل تبدیل به الگوی انباشتی باشد و یا در همان حالت اولیه و مهاجرت از روی ناچاری و برای زنده ماندن بماند یا گاهی ممکن است فرد با مهاجرت انباشتی شروع کرده باشد اما به مهاجرت برای زنده ماندن رسیده باشد این نوع مهاجرت عمدتاً به وسیله فقرا و افراد کمتر آموزش دیده انجام می شود و عمدتاً برای به جهت زنده ماندن مهاجر و خانوار انجام میشود این نوع مهاجرت حتی اگر اجازه دهد که خانوار مصرفشان را بهبود ببخشند و ریسکها را مدیریت کنند با این وجود باز هم مهاجرت از روی ناچاری است (deshingkar and farington, 2009, 18). در الگوی دوم مهاجر فصلی علاوه بر تامین نیازهای اولیه به مرحله پس انداز و افزایش سرمایه و سرمایه گذاری در کالاهای سرمایه ای می رسد در واقع در این الگو وضعیت فرد مهاجر بهتر از افراد غیر مهاجر در داراییها می شود یعنی فرد علاوه بر برآورده کردن نیازها اولیه خانوار به فکر افزایش سرمایهها نیز بوده است. در واقع مهاجرت فصلی انباشتی توسط خانوارهای پردرآمدتر (مرفه تر) با مقداری آموزش بالاتر، دارایی بیشتر، مهارت بالاتر و با شبکه اجتماعی بهتر برای متنوع سازی سرمایه گذاریها که اغلب اجازه انباشت داراییها، پس اندازها و سرمایه گذاریها را می دهد مهاجرت انباشتی نامیده می شود. اغلب تاکید می شود که بیشتر مهاجران در دسته مهاجرت از سر ناچاری یا مهاجرت برای زنده ماندن قرار می گیرند عده ای از محققین معتقدند مهاجرت فصلی راهی برای ادامه دادن (زنده بودن) است (rafique and rogaly, ۱۹۹۹). برای گروه کوچکی از مهاجران که دارای زمین هستند و ساختار حمایت خانواده را دارند و دیگر دارایهای اجتماعی و منابع درآمدی را دارند پولهای ارسالی ممکن است برای سرمایه گذاری در

کشاورزی و یا اثر گذاری از طریق افزایش مصرف مورد مصرف قرار گیرد (Deshingkar and Farrington, 2009). دو دسته معرفی شده نیز قابل دسته بندی هستند و شامل دامنه متنوعی از جریان‌های مهاجرتی می باشند. تلاش مهاجران فصلی این است که به سمت مهاجرت انباشتی حرکت کنند در واقع بخشی از مهاجران ممکن است با رسیدن به مهاجرت انباشتی امکان تامین نیازهای زندگی از زمره مهاجران فصلی روستا به شهر خارج شوند. این الگوها قابل تبدیل به یکدیگرند و ممکن است کسی از الگوی مهاجرت از روی ناچاری شروع کند و به تدریج به الگوی مهاجرت انباشتی برسد یا عکس این موضوع اتفاق بیفتد تغییرات در این الگوها عمدتاً به واسطه آموزش و یافتن فرصت‌های بهتر کاری روی می دهد. اگرچه بعضی از مهاجران از سرناچاری و برای زنده ماندن ممکن است پیشرفتی به سوی مهاجرت انباشتی در طی زمان داشته باشند اما اکثریت در همان موقعیت باقی می مانند.



شکل (۲): مدل مفهومی الگوهای مهاجرت فصلی

پیشینه مطالعاتی

به دلیل ابعاد وسیع و علل و پیامدهای گسترده ای که در مورد مهاجرت مطرح است نظریات مختلفی در مورد مهاجرت ذکر شده است که از جمله می توان به نظریه های راونشتاین^۱ در طرح قوانین جذب و دفع، توجه استافر^۲ و زیپف^۳ به عوامل میانی، رابطه مهاجرت و منطقه توسط هاگستراند^۴ ۱۹۶۵، سرمایه گذاری انسان در امر مهاجرت توسط شولتز^۵ و سجستاد^۶ در سال ۱۹۶۲، تحلیل عوامل میانی در قالب نظریه جذب و دفع توسط لاوری^۷ و راجرز در سال های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ اشاره کرد (پاپلی یزدی، امیرابراهیمی، ۱۳۸۱، ۱۵۵). راونشتاین شاید اولین کسی بود که نقش عوامل فاصله و مکان را در تحلیل مهاجرتی خود وارد نمود و این عوامل را در انجام مهاجرت تاثیرگذار دانست. در واقع راونشتاین اولین کسی بود که در مورد رابطه مهاجرت و عوامل مکانی-فضایی نظریه پردازی کرد. دیدگاه اقتصادی مهاجر را مکانیزمی برای باز توزیع مجدد نیروی کار در نظر میگیرند. اقتصاددانان کلاسیک از جمله آدام اسمیت مهاجران کارگر را نیز تابع قانون عرضه و تقاضای اقتصادی می دانستند (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۳۶). دین ونک و دیگران^۸ معتقدند مهاجران مهاجران روستایی از مناطق با شرایط نامناسب به مناطق با شرایط بهینه مهاجرت می کنند. استگلitz^۹ معتقد است اگر مهاجرت را به عنوان مکانیزم تعادل بخش بدانیم در آن صورت می توان انتظار داشت که وقتی تعداد بیکاران افزایش می یابد مهاجرت نیز همگام با آن از روندی افزایشی برخوردار شود (طاهرخانی، ۱۳۸۰، ۷۵). او یکی از عوامل تاثیرگذار در مهاجرت را فاصله می داند و برای فاصله هم فاصله فیزیکی و هم فاصله روحی روانی را در نظر می گیرد (همان، ۷۵). آرتور لوئیس^{۱۰} هم مهاجرت های روستایی را در بطن فرآیندهای

^۱ -Ravneshtain

^۲ -Stuffer

^۳ -Zipof

^۴ - Hagestrand

^۵ - Shultz

^۶ - Sijassted

^۷ - Lowry

^۸ - Deen wank et al

^۹ -Stiglitz

^{۱۰} -Arthur W.lewis

توسعه اقتصادی تبیین می‌کند و از تضاد بین دو بخش اقتصادی سرمایه داری نوین در شهرها و معیشت سنتی در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه سخن می‌گوید که برآیند آن مهاجرت روستاییان مازاد به شهرها می‌باشد (جلالیان و محمدی یگانه، ۱۳۸۵، ۹۰). جان کونل^۱ نیز به مساله فقر روستایی و تاثیر آن در مهاجرت‌های روستایی-شهری پرداخته و معتقد است که ناکافی بودن درآمدهای حاصله از فعالیت‌های کشاورزی منجر به مهاجرت روستاییان و تحریک آنها به مهاجرت می‌شود موضوع مورد بحث کونل به نوعی پایین بودن میزان زمین به انسان و سایر محدودیت‌های طبیعی را نیز شامل خواهد شد که نتیجه آن در ناکافی بودن درآمدهای حاصله از فعالیت‌های کشاورزی نمود پیدا می‌کند. فاولست^۲ و همکاران در مورد مهاجرت معتقدند که یکی از مهمترین عوامل مهاجرت فشارهای اکولوژیکی می‌باشد (Fawcett et al, 1982, 109) بدیهی است فشارهای اکولوژیکی شامل عوامل جغرافیایی و مکانی- فضایی نیز خواهد بود. آدامو^۳ فشارهای ناشی از عوامل موثر اجتماعی-اقتصادی و محیطی را که از عوامل خارجی و بیرونی هم متاثر است در نگهداری طولانی مدت جمعیت در جوامع روستایی جهان سوم موثر دانسته است (Adamo, 2003, 4). اندرسون^۴ معتقد است فقر موجب آسیب پذیری است و به این دلیل روستائیان اغلب به عنوان جامعه ای آسیب پذیر شناخته می‌شوند و مهاجرت فرار از خطر را توجیه می‌نماید (Anderson, 2002, 2).

در مورد مهاجرت فصلی به طور اخص، هبرفیلد^۵ معتقد است این موضوع اثبات شده که نسبت زمین به انسان، فاکتوری عمده در تصمیم گیری کارگران روستایی به مهاجرت به نواحی دیگر است. فاکتور دیگری که تصمیم مردم برای مهاجرت را متاثر می‌کند نابرابری ناحیه ای در رشد اقتصادی است که به دلیل نابرابری توسعه کشاورزی و صنعتی است (Heberfield, 1999, 473).

¹ - John Connel

² - Fawcett

³ - Adamo

⁴ - Anderson

⁵ - Heberfeild

الان دبراو و هیرگایا^۱ در مورد مهاجرت فصلی معتقدند علاوه بر کمبود زمین و کسب درآمد بیشتر در نواحی شهری، به ظور خاص اگر نابرابری شهری روستایی زیاد باشد مهاجرت فصلی اتفاق می افتد (Debraw and Hiragawa, 2004, 7). ویجی کورا^۲ در مورد عوامل شروع مهاجرت فصلی نبود فرصت اشتغال، از دست دادن محصول کشاورزی و نبود فرصت‌های جایگزین در کشاورزی در دوره کشاورزی را عوامل شروع مهاجرت فصلی می داند (Korra, 2010). جرارد جیل^۳ معتقد است عوامل جذب دفع در به وجود آوردن مهاجرت فصلی نقش دارند عوامل جذب در مقصد شامل فرصت‌های شغلی و دافعه‌ها عدم وجود فرصت‌های شغلی در مبداء و نبود امنیت غذایی ذکر شده است (Jill, 2003, 1). پر واضح است که بخشی از دافعه‌های روستا در عوامل جغرافیایی نهفته است. واقعیت اینست که امروزه اگرچه پیشرفت‌های فناوری تاثیر عوامل جغرافیایی و مکانی - فضایی را در معیشت نواحی روستایی کاهش داده با این وجود در نواحی روستایی توسعه نیافته، محدودیت‌های طبیعی هنوز تاثیر گذار می باشد. چاندرا و همکاران در پژوهشی در مورد هندوستان به این نتیجه رسیدند که میزان هزینه زندگی خانوار دارای مهاجر فصلی، کمتر از دیگر خانوارهای روستایی است همچنین میزان سرانه و هزینه مواد غذایی پایین تری نیز دارند (Chandra and et al, 2014). آجای و کومار (۲۰۱۴) در مورد مهاجرت فصلی روستایی-شهری در هند به این نتیجه رسیدند که مهاجرت فصلی یکی از عمومی ترین استراتژی‌هایی است که به وسیله مردم فقیر روستایی اتخاذ می شود این موضوع بخصوص وقتی به چشم می خورد که عواملی مثل نبود آب یا نوسانات دید اقلیمی، کشاورزی مردم را متاثر روستایی را متاثر می کند (Ajay and Kumar, 2014, 30). موضوع قابل اهمیت و غیر قابل انکار در مورد مهاجرت فصلی روستایی- شهری نیروی کار این است که بر خلاف مهاجرت‌های روستایی-شهری دائمی که عوامل مختلفی در به وجود آوردن آن دخالت دارند در به وجود آوردن مهاجرت‌های فصلی مهمترین عامل اقتصادی بوده و محققین ذکر شده هم این موضوع را تایید کرده اند.

¹ - Debraw and Hiragawa

² - Korra

³ - Jerard Jill

روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر روش، توصیفی-تحلیلی و از نظر اجرا، میدانی اسنادی، از نظر هدف نیز از نوع تحقیقات کاربردی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و پیمایش میدانی (شامل پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه) استفاده شده است. در واقع، داده‌های کمی بدست آمده از پرسش‌نامه می‌توانند داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه را کامل کنند. ابتدا با توجه به ابعاد و شاخص‌ها موضوع مورد بررسی سعی در طراحی پرسشنامه محقق ساخته بوده است و سپس با توجه به شیوه مقایسه‌ای انتخاب شده برای این پژوهش تلاش شده دارای‌های مادی و غیرمادی خانوار در قالب پنج نوع سرمایه با شاخص‌های مناسب از طریق پرسشنامه بدست آید گویه‌های متناسب با شاخص نیز طراحی شده است.

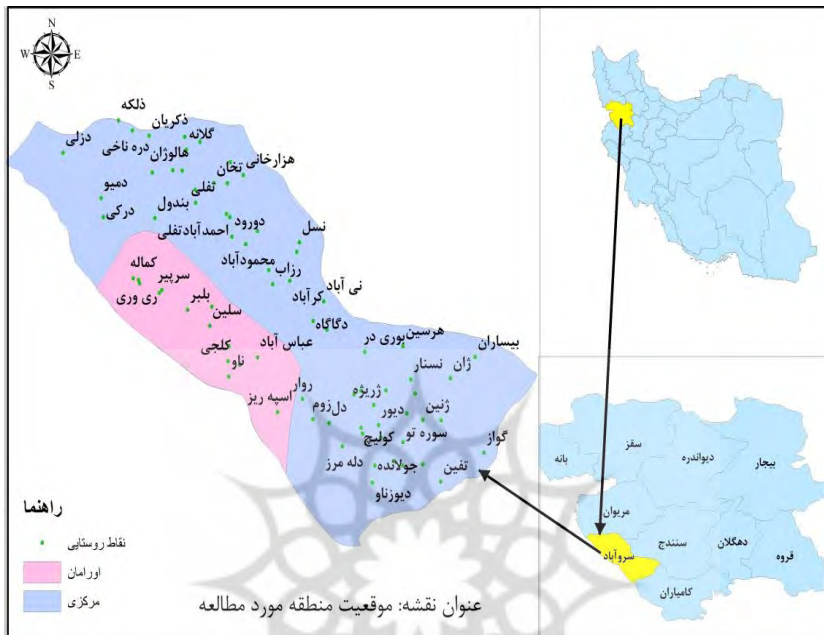
جامعه آماری پژوهش کل خانوارهای روستایی ساکن در ۶۵ روستای شهرستان سروآباد است که در روستاهای بالای ۱۰ خانوار ساکن بوده و از این تعداد ۲۰ درصد روستاها به عنوان نمونه انتخاب شده این مقدار شامل ۱۳ روستا می‌باشد. روش نمونه‌گیری استفاده شده روش نمونه‌گیری تصادفی می‌باشد. از کل ۱۱۷۰۰ خانوار روستایی شهرستان بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۲۳ خانوار برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شده و در هر روستا ۲۴ پرسشنامه با روش انتساب متناسب تکمیل گردیده است این تعداد برای سطح اطمینان ۹۵٪ صدم بوده است. برای پاسخ به سوالات از طیف لیکرت با دامنه ۱ (کاملاً موافق) تا ۵ (کاملاً مخالف) استفاده شده است. قبل از تکمیل پرسشنامه روایی آن از طریق ارائه پرسشنامه و گویه‌های در نظر گرفته شده به اساتید و صاحب نظران و اعمال نظرات آنان جهت تصحیح خطاهای احتمالی استفاده شده است همچنین پایایی آن از طریق محاسبه الفای کرونباخ صورت گرفته که عدد ۸۱ صدم بدست آمده که عدد قابل قبولی می‌باشد. پیش از آزمون پرسشنامه نیز برای برطرف کردن اشکالات احتمالی انجام شده است. برای تحلیل داده‌هایی که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است و داده‌های کمی محسوب می‌شوند از تکنیک‌های آماری در محیط نرم افزار spss نسخه ۱۹ استفاده شده است. در نهایت میانگین‌های بدست آمده برای دو گروه خانوار مهاجر و غیر مهاجر در تمام دارای‌ها با هم مقایسه شده است.

جدول (۱): شاخص‌ها، نشانگرها و پایایی شاخص‌ها

| پایایی | نشانگر | شاخص | |
|--------|---|----------------|---|
| ۸۰ | پس انداز، دسترسی به وام، سهام در انواع آن | سرمایه مالی | ۱ |
| ۸۱ | اعتماد، همبستگی، مشارکت | سرمایه اجتماعی | ۲ |
| ۸۱ | مهارت خانوار، دانش خانوار، سلامت خانوار | سرمایه انسانی | ۳ |
| ۷۹ | مسکن و ابزار و ماشین آلات، وسایل خانگی، وسایل ارتباطی | سرمایه فیزیکی | ۴ |
| ۷۹ | زمین دیم و آبی، باغ، دام، حق آبه، حق مرتع | سرمایه طبیعی | ۵ |
| ۸۰ | | میانگین کلی | ۶ |

محدوده مورد مطالعه

شهرستان سروآباد یکی از شهرستان‌های استان کردستان می باشد که در غرب این استان واقع شده است این شهرستان از غرب با کشور عراق، از شمال با شهرستان مریوان، از شرق به شهرستان سنندج و از جنوب به شهرستان کامیاران محدود می شود. مرکز این شهرستان شهر سروآباد است. این شهرستان دارای دو بخش (مرکزی و اورامان) ۸ دهستان و ۸۲ روستا می باشد که با کنار گذاشتن روستاهای تخلیه شده، مکان‌ها، اردوگاههای پناهندگان عراقی، روستاهای قرار گرفته در محدوده شهر سروآباد و روستاهای زیر ۵ خانوار، تعداد روستاهای مسکون شهرستان ۶۵ روستا می باشد. طبق سرشماری ۱۳۸۵، این شهرستان دارای ۵۳۹۹۲ نفر جمعیت و ۱۰۰۲ کیلومتر مربع مساحت می باشد.



شکل شماره (۳) تقسیمات اداری و موقعیت شهرستان در کشور و استان

یافته‌ها

در این بخش میانگین هر یک از مقیاس‌های مورد مطالعه به تفکیک مهاجرین و غیر مهاجرین و محاسبه آزمون t برای مقایسه میانگین‌ها، میانگین سرمایه کلی برای دو گروه خانوارها و در نهایت میانگین سرمایه عینی برای مقایسه دو گروه انجام شده است. جدول شماره ۲ میانگین هر یک از متغیرهای مورد مطالعه را به تفکیک گروه مهاجرین و غیر مهاجرین نشان می‌دهد و جدول ۴-۵۵ آزمون معنی داری این تفاوت‌ها را نشان می‌دهد. داده‌ها حاکی از آنست که در اکثر سرمایه‌های مورد مطالعه گروه مهاجرین و غیر مهاجرین از میزان متوسط بالاتر بوده اند اما از نظر مقایسه ای، در یک مقیاس ۵ نمره ای میانگین سرمایه طبیعی غیر مهاجرین ۲,۷۳ است که از گروه مهاجرین با میانگین ۱,۶۳ بیشتر است این تفاوت بنابر آزمون t در سطح ۱ درصد معنی دار است ($p > 0/05$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان سرمایه طبیعی غیر مهاجرین بیشتر از سرمایه طبیعی مهاجرین است.

از نظر سرمایه انسانی گروه مهاجرین با میانگین ۳,۵۱ بیشتر از گروه غیر مهاجرین (۳,۰۲) سرمایه انسانی داشته اند که این تفاوت در سطح ۱ درصد خطا ($p < 0.01$) معنی دار است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان از نظر سرمایه انسانی بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. از نظر سرمایه مالی مهاجرین با میانگین ۳,۲ بیشتر از گروه غیر مهاجرین ۲,۹۱ سرمایه مالی بیشتری داشته اند که این تفاوت نیز در سطح ۱ درصد خطا ($p > 0.01$) معنی دار است. از نظر سرمایه اجتماعی این بار گروه غیر مهاجرین با میانگین ۳,۷۸ بیشتر از گروه مهاجرین ۳,۳۹ سرمایه اجتماعی داشته اند که تفاوت مشاهده شده در سطح ۱ درصد خطا ($p < 0.01$) معنی دار است. دیگر اینکه از نظر سرمایه فیزیکی گروه مهاجرین با میانگین ۴,۵۶ به مراتب بیشتر از گروه غیر مهاجرین ۴,۴۲ سرمایه فیزیکی داشته اند که این تفاوت نیز در سطح ۱ درصد خطا ($p < 0.01$) معنی دار است.

جدول (۲): میانگین هر یک از مقیاس‌های مورد مطالعه به تفکیک مهاجرین و غیر مهاجرین

| شاخص ها | گروه ها | N | میانگین | انحراف معیار |
|----------------|-------------|-----|---------|--------------|
| سرمایه طبیعی | مهاجرین | ۱۶۰ | 1.63 | .55 |
| | غیر مهاجرین | ۱۶۲ | 2.73 | 1.46 |
| سرمایه انسانی | مهاجرین | ۱۶۰ | 3.51 | .57 |
| | غیر مهاجرین | ۱۶۱ | 3.02 | .72 |
| سرمایه مالی | مهاجرین | ۱۵۹ | 3.28 | .59 |
| | غیر مهاجرین | ۱۶۰ | 2.91 | .91 |
| سرمایه اجتماعی | مهاجرین | ۱۶۰ | 3.39 | .51 |
| | غیر مهاجرین | ۱۶۲ | 3.78 | .61 |
| سرمایه فیزیکی | مهاجرین | ۱۵۹ | 4.56 | .26 |
| | غیر مهاجرین | ۱۶۲ | 4.42 | .23 |

سرمایه کلی خانوارهای مهاجر و غیر مهاجر

جدول ۳ میانگین سرمایه کلی دو گروه مهاجرین و غیر مهاجرین را در یک مقیاس ۵ نمره ای نشان میدهد همچنانکه می بینیم میانگین سرمایه کلی مهاجرین ۳,۵۱ بیشتر از میانگین غیر مهاجرین ۳,۱۹ است و بنابر آزمون t در سطح ۱ درصد خطا معنی دار است. یعنی با ۹۹ درصد اطمینان گروه مهاجرین سرمایه بیشتری از گروه غیر مهاجرین داشته اند. همچنین ۷۵ درصد نمره سرمایه کلی گروه مهاجرین بین ۳,۲۲ تا ۳,۷۷ و در گروه غیر مهاجرین بین ۲,۹۸ و ۳,۴۲ می باشد. سرمایه کلی مجموع کل سرمایه‌های هر گروه می باشد که مشتمل بر ۵ سرمایه می باشد. مقایسه این دو گروه نشان می دهد که مجموع کل سرمایه‌ها در میان گروه مهاجران بیشتر است که می توان این موضوع را به تاثیر مهاجرت بر سرمایه‌های کلی خانوار مربوط دانست. نتیجه کلی این است که در محدوده مورد مطالعه سرمایه مهاجران بیشتر از غیر مهاجران می باشد یعنی تاثیر مهاجرت در محدوده مورد مطالعه بر خانوارهای مهاجر مثبت بوده است. البته بایستی به این نکته توجه داشت که با وجود تاثیر مثبت مهاجرت بر معیشت خانوار، عموماً مهاجران از این نوع وضعیت شغلی اظهار نارضایتی می کنند که در سوال‌های قبل که به شکل توصیفی ذکر شد این موضوع توضیح داده شده است. موضوع دیگر این که وضعیت مهاجران نسبت به غیر مهاجران مناسب تر است و این در واقع نشان دهنده وضعیت نامناسب غیر مهاجران (کشاورزان) می باشد تا اینکه وضعیت مهاجران در زمینه سرمایه‌ها، خیلی خوب باشد. موضوع دیگر اینست که ۷۵ درصد افراد مهاجر در وضعیت تقریباً مشابه هستند ولی تفاوت در سطح برخورداری از سرمایه‌ها در میان گروه غیر مهاجر بسیار بالاست و در واقع از نظر سطح برخورداری از سرمایه‌ها از وضعیت ناهمگون تری برخوردارند.

جدول (۳): مقایسه دو گروه مهاجرین و غیر مهاجرین از نظر سرمایه کلی

| شاخص | گروه ها | N | میانگین | انحراف معیار | t | df | سطح معناداری |
|------------|-------------|-----|---------|--------------|------|-----|--------------|
| سرمایه کلی | مهاجرین | ۱۶۱ | ۳,۵۱ | ۰,۳۵ | ۶,۷۴ | ۳۲۰ | ۰,۰۰۰ |
| | غیر مهاجرین | ۱۶۰ | ۳,۱۹ | ۰,۳۵ | | | |

مقایسه سرمایه عینی خانوارهای مهاجر و غیر مهاجر

نتایج جدول (۴) بیانگر اینست که از نظر سرمایه‌های عینی گروه غیرمهاجرین میزان سرمایه بیشتری داشته اند به طوری که در یک مقیاس ۵ نمره ای میانگین سرمایه عینی غیر مهاجرین ۷,۱۶۸ و گروه مهاجرین ۶,۲۰۰۵ می باشد با توجه به آزمون t و سطح معنی داری آن، با ۹۹ درصد اطمینان این تفاوت معنی دار است. مقایسه این سرمایه‌ها که در واقع سرمایه‌هایی هستند که قابل رویت هستند به این دلیل صورت گرفته که این سرمایه‌ها را می توان با چشم دید و تفاوت را در دو گروه می توان رویت کرد. مقایسه میانگین سرمایه‌های عینی دو گروه نشان می دهد گروه غیر مهاجر از سرمایه‌های عینی بیشتری برخوردار است. این موضوع نشان دهنده آنست که سرمایه طبیعی گروه غیر مهاجر، بقدری بالاتر از گروه مهاجر است که با وجود اینکه میزان سرمایه فیزیکی مهاجرین بالاست با این وجود میانگین سرمایه طبیعی و فیزیکی (عینی) در نهایت در بین گروه غیر مهاجر که کشاورزان هستند بالاتر است

همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود چون مقدار t (۷ و ۴,۲) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنادار است، بنابراین می توان گفت بین میانگین‌های مهاجرین و غیر مهاجرین از نظر سرمایه‌های عینی (سرمایه طبیعی و سرمایه فیزیکی) تفاوت آماری معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر مهاجر و غیر مهاجر بودن بر سرمایه طبیعی و سرمایه فیزیکی ساکنین تأثیر داشته است. چون ۷ و ۴,۲؛ $Z = 4,2$ ؛ $P \leq 0,01$ پس با ۰/۹۹ اطمینان می توان فرض متفاوت بودن میانگین‌های مهاجرین و غیر مهاجرین را از نظر سرمایه‌های

عینی پذیرفت. البته این موضوع را باید در نظر داشت که بالاتر بودن سرمایه طبیعی در گروه کشاورزان (غیر مهاجرین) منجر به افزایش سرمایه فیزیکی آنها نشده است که این می‌تواند به دلیل پایین بودن درآمد و بهره‌وری در کشاورزی باشد با این وجود کشاورزان تمایلی به از دست دادن سرمایه طبیعی خود ندارند و حتی با درآمد پایین آن نیز مجبور هستند به فعالیت در این بخش ادامه دهند.

جدول (۴) مقایسه مهاجرین و غیر مهاجرین از نظر سرمایه‌های عینی

| شاخص‌ها | گروه‌ها | N | میانگین | انحراف معیار |
|-----------------------------------|-------------|-----|---------|--------------|
| سرمایه طبیعی | مهاجرین | ۱۶۰ | 1.63 | .55 |
| | غیر مهاجرین | ۱۶۲ | 2.73 | 1.46 |
| T= 7 df= 321 sig=0.000 | | | | |
| سرمایه فیزیکی | مهاجرین | ۱۵۹ | 4.56 | .26 |
| | غیر مهاجرین | ۱۶۲ | 4.42 | .23 |
| T=4.2 df=320 sig= 0.000 | | | | |

نتایج

نتایج حاصل از یافته‌های پرسشنامه حاکی است در مقایسه دو گروه مهاجر و غیر مهاجر در ۵ سرمایه ارزیابی شده در روستاهای مورد مطالعه بجز در دو سرمایه طبیعی و سرمایه اجتماعی که میزان آن در خانوارهای غیر مهاجر بالاتر است در بقیه دارایی‌های سرمایه‌ای یعنی سه سرمایه انسانی و سرمایه مالی و سرمایه فیزیکی، وضعیت مهاجران بالاتر از غیر مهاجران می‌باشد به نظر می‌رسد بالا بودن این دو سرمایه در میان غیر مهاجران منطقی به نظر می‌رسد زیرا در صورتی که سرمایه طبیعی مهاجران بالاتر بود اصولاً مهاجرتی صورت نمی‌گرفت و به دلیل پایین بودن سرمایه طبیعی یعنی آب و زمین است که مهاجرت صورت گرفته است. در واقع مهاجرت راهی برای جبران کمبود یا نبود درآمد خانوار است در مورد

بالتر بودن سرمایه اجتماعی در غیر مهاجران نسبت به مهاجران نیز با توجه به وجود همبستگی بالای در میان روستاییان غیر مهاجر به طور سنتی این موضوع منطقی به نظر می رسد. موضوع دیگر اینکه، در سه سرمایه انسانی و مالی و فیزیکی، وضعیت مهاجران بهتر از غیرمهاجران است و این نشان دهنده تاثیر مثبت مهاجرت فصلی بر این سه نوع سرمایه در میان مهاجران می باشد. در مورد مقایسه سرمایه کلی مهاجران و غیر مهاجران، با مقادیر بدست آمده وضعیت مهاجران مناسب تر از وضعیت خانوارهای ساکن غیر مهاجر است که باز هم تأکیدی بر تاثیرگذاری مهاجرت بر داراییهای خانوارهای مهاجر و بهتر بودن وضعیت کلی مهاجران نسبت به غیر مهاجران می باشد. مقایسه سرمایه عینی دو گروه مهاجران و غیرمهاجران نشان دهنده بالا بودن این میزان در میان غیرمهاجران می باشد به عبارتی در زمینه سرمایه عینی یعنی سرمایههایی که با چشم قابل رویت هستند وضعیت غیرمهاجران مناسب تر از مهاجران می باشد که نشانه اثرگذاری سرمایه طبیعی بالای خانوار غیر مهاجر بر میزان کل سرمایه عینی است. مقایسه وضعیت خانوارهای روستایی مهاجر و غیر مهاجر در زمینه ۵ سرمایه خانوار و سرمایه کلی و عینی در نهایت وضعیت مناسب خانوارهای دارای مهاجر را نشان می دهد که نمایانگر اثر مثبت مهاجرت بر وضعیت کلی داراییهای خانوار می باشد با این وضعیت با توجه به اثراتی که مهاجرت فصلی نیروی کار روستایی به شهر بر سرمایه ای معیشتی، سرمایه کلی و سرمایه معیشتی به دنبال داشته است و با تعریفی که از مهاجرت انباشتی و مهاجرت از روی ناچاری (مهاجرت اجباری) ارائه شد مهاجرت فصلی نیروی کار روستایی منطقه به شهر در محدوده مورد مطالعه در طیف مهاجرت انباشتی قرار می گیرد. چنین نتایجی در مطالعات محققان دیگری از جمله دشینگکار که الگوی دو بخشی مهاجرت را برای هندوستان پیشنهاد کرده است وجود دارد و در واقع این پژوهش بر اساس کارهای او پیش رفته است. همچنین نتایج مشابهی در مورد کشور ویتنام در تحقیق دهاس نیز تکرار شده است. او با بررسی مهاجران فصلی اثر مهاجرت آنها را بر معیشت خانوار مثبت ارزیابی کرده است. چاندارا و همکاران در مورد هندوستان معتقدند مهاجرت فصلی بر معیشت خانوارها روستایی اثر منفی داشته و هزینههای خانوارهای روستایی مهاجر در مقایسه با خانوارهای غیر مهاجر پایین تر است در نتیجه

مهاجرت این خانوارها در الگوی مهاجرت اجباری قابل دسته بندی است. آجای و کومار در پژوهشی در مورد مادیا پرادش اثر مهاجرت فصلی را مثبت دیده و معتقد به الگوی انباشتی در محدوده مادیا پرادش هند می باشند. ویجی کورا نیز در مورد محبوب نگر در آندرا پرادش هندوستان معتقد به الگوی انباشتی و آنرا جزئی از استراتژی معیشتی روستاییان برای چیرگی بر موانع درآمدی و سایر مشکلات معیشت روستاییان می باشد. در واقع نمی توان الگوی مهاجرت فصلی در یک محدوده را یا مهاجرت در یک منطقه را به صورت مطلق به سایر مناطق جهان و حتی یک کشور تعمیم داد بلکه ممکن است مهاجرت در جایی در الگوی انباشتی و در جایی دیگر در الگوی اجباری باشد.



منابع

- ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران
- استانداری کردستان، ۱۳۸۷، سالنامه آماری ۱۳۸۶ استان کردستان.
- اسکلدون، رونالد، ۱۳۸۴، مهاجرت روستاییان به شهر و اثرات آن در کاهش فقر روستایی، ترجمه حمیدرضا وجدانی، سایت سازمان ثبت احوال کشور.
- بقایی، مسیب و محمد بقایی و امید نوروزی، ۱۳۸۵، مهاجرت روستایی چالشی برای کشورهای در حال توسعه، جهاد، ۲۷۳.
- پاپلی یزدی، محمد حسن، و محمد امیر ابراهیمی، ۱۳۸۱، نظریه‌های توسعه روستایی، تهران، سمت.
- تودارو، مایکل، ۱۳۶۷، مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، دفتر بین المللی کار موسسه کار و تامین اجتماعی، تهران
- جوان، جعفر، ۱۳۸۵، جغرافیای جمعیت ایران، جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ سوم، مشهد
- جمعه پور، محمود، ۱۳۸۶، رابطه بین سطوح توسعه یافتگی روستاها و مهاجرت به شهر تهران - فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۳، صفحه ۲۷-۵۸.
- چیذری، محمد، و بقایی، مسیب و امید نوروزی، ۱۳۸۵، مهاجرت روستایی چالش برای کشورهای در حال توسعه، ماهنامه علمی اجتماعی اقتصادی، جهاد، ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، شماره ۲۷۳، تهران
- دهقان، ف، ا، ۱۳۸۰، نقش اشتغالزایی در کاهش مهاجرت‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان مشایخ، شهرستان ممسنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم جغرافیایی و سنجش از دور، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس
- زارع، بیژن، ۱۳۸۶، جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی، سمت، چاپ سوم، تهران.
- زنجانی، حبیب الله، ۱۳۸۰، مهاجرت، تهران، سمت.
- سعیدی، عباس، ۱۳۷۷، مبانی جغرافیای روستایی، تهران - سمت.
- طاهر خانی، مهدی و رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، ۱۳۸۳، تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول روستاییان استان قزوین، فصلنامه مدرس، دوره ۸ شماره ۴، زمستان ۱۳۸۳. صفحه ۶۵-۸۱

- طاهر خانی، مهدی، ۱۳۸۱، تحلیلی بر عوامل موثر در مهاجرت‌های روستا/ شهری، *فصلنامه مدرسی*، شماره مقاله ۵۱۹، بخش علوم جغرافیایی و سنجش از دور، دانشگاه تربیت مدرس، www.sid.ir صفحه ۶۷-۹۳
- ظاهری، محمد و کارگر، ناهید (۱۳۹۵) بررسی سیر تحول روستاهای خوابگاهی در شرق کلان‌شهر تبریز، دوره ۲۰، شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۵، صفحه ۱۸۱-۱۶۱
- عبدالله زاده، غلامحسین و ازدرپور، علیرضا و شریف زاده، محمد شریف، بررسی عوامل موثر بر گرایش به مهاجرت در بین روستاییان شهرستان زابل، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی*، دوره ۲۳، شماره ۶۷، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۱۹۵-۱۷۳
- قره باغیان، مرتضی، ۱۳۷۵، بررسی برخی از علل اقتصادی موثر در مهاجرت نیروی کار در ایران، وزارت مور اقتصادی و دارایی، تهران
- قلندریان، ایمان و داداش پور، هاشم، ۱۳۹۶، تحلیل الگوی فضایی مهاجرت بین شهرستانی در فضای سرزمینی ایران، *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، دوره ۲۱، شماره ۶۲، زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۲۴۶-۲۲۳
- لینچ، کنت، ۱۳۸۶، *روابط متقابل شهر و روستا در کشورهای در حال توسعه*، ترجمه محمد رضا رضوانی، داوود شیخی، پیام، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، *نتایج تفصیلی آمارگیری ۱۳۸۵*. تهران
- مشفق، محمود و علی یار احمدی، ۱۳۸۶، *مهاجرت کارگری، اشتغال در بازار کار غیر رسمی و آسیب پذیری ناشی از آن، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، شماره ۳ سال دوم، تهران. صفحه ۱۵۵-۱۷۲.
- Abdur rafique and Rogally,B,(2003) internal seasonal migration, livelihood and vulnerability in India: case study, migration pro-poor policy choices Asia conference at Dhaka Bangladesh 22-24 Jun 2003 www.livelihoods.org
- Adamo,Susan,2003,social sustainability and social resilience rural communities in dry lands: the case of jachal(Argentina) in the 19 th centuries association.Dallas.Texas
- Alan de Brauw & Tomoko Harigaya, 2007. "Seasonal Migration and Improving Living Standards in Vietnam," *American Journal of Agricultural Economics, Agricultural and Applied Economics Association*, vol. 89(2), pages 430-447.

- Anderson, Jack R, 2003, risk in rural development, challenges for managers and policy makers. Rural development department .world bank
- Barrow.c.j (2006), environment management for sustainable development. Routlidge.london.
- S. Chandrasekhar, Mousumi Das, Ajay Sharma, .2014, Short-term Migration and Consumption Expenditure of Households in Rural India, Indira Gandhi Institute of Development Research, Mumbai, March 2014. <http://www.igidr.ac.in/pdf/publication/WP-2014-009.pdf>
- Chandrasekhar, S., Mousumi D., & Ajay, Sh. (2014). Short-term Migration and Consumption Expenditure of Households in Rural India. Indira Gandhi Institute of Development Research, Mumbai, March 2014.
- De Brauw,Alan,(2007),Seasonal migration and agriculture in Vietnamese working paper No .07-04 agriculture development economics deivision,The food and agriculture organization of The unoted nation ,www.fao.org/es/esa
- De Haas,Hein(2008), migration and development: A theoretical perspective, international migration institute, paper NO.9 , UK
- Deshingkar and Start,(2003) seasonal migration for livelihoods in India : coping, accumulation and exclusion, overseas development institute, working paper 220
- Deshingkar, P and Farrington,J (2009) circular migration and multi locational livelihood strategies in rural India, Oxford university press, New Delhi
- Develyn, Rannveig and Newland Katrin,2007, circular migration and development: trends, policy routs and ways forward.MPI,program on migrants migration and development
- Fawcett,T, James and Al,(1982) reason for moving and migration behavior world development,vol.10.4,pp.98-129
- Gill.Gerard.j(2003)seasonal labor migration in rural Nepal :a preliminary overview. Overseas development institute working paper ,London
- Hebefeld, Y and et al., (1999) seasonal migration of rural India, population research and policy review.

- Korra, Vijay. (2010), Natural and characteristics of seasonal labor migration: A case study in Maha bubnagay district of Andhra Pradesh, www.cds.edu. working paper 433,
- Kumar, yogesh and Ajay, anamika, 2014, linking separate worlds understanding the process of rural urban seasonal migration , urban india journal, volume 34, issue1, pages 9-
- Imbert, clement and papp, john,2016, short term migration of rural workfare programs and urban labor markets, evidence from India. Warwick economics research paper series.
- Madhu G. R and H. R. Uma, 2014, Rural To Urban Migration- Opportunities and Challenges, International Journal of Advanced Research (2014), Volume 2, Issue 6, 389-394.
- Mendola, Mariapia (2006) rural out- migration and economic development at origin. Sussex center for migration research, working paper no 40.
- Mcdowell, and De Haan (1997) migration and sustainable livelihood; critical review of literature, Sussex institute of development studies
- pacione,Michael,2005,urban geography ,Rutledge .London
- Rogaly, Ben (2003a) who goes? Who stay back? Seasonal migration and stay put among rural manual workers in eastern India. Journal on international development .J. int.15,623-632
- Rogaly,Ben and et al (2002) seasonal migration and welfare/ill fare in eastern India: a
- Rogaly,Ben and et al(2003b), they used to go to eat, now they go to earn: the changing meanings of seasonal Bengal, India. journal of agrarian chang,vol.3,pp.395-433
- Rogaly,Ben and etal (2001) seasonal migration ,social change and migrants and rights lesson from west Bengal. Economic weekly .36-49:4547-59-- Social analysis. Journal of development studies.38, 5:89-114.
- Soundarya Iyer,2017, Circular Migration and Localized Urbanization in Rural India, Environment and urbanization ASIA Vol 8, Issue 1, 2017, pp,105-119
- Timalsina, Krishna parasad (2007) rural urban migration and livelihood in the informal sector, a study of street vendor of Kathmandu metropolitan city, Nepal ,masters of philosophy thesis in development

- studies ,department of geography. NTNU university of Trondheim, Norway.
- Yogesh, Kumar, and Anamika, Ajay,.(2014) linking separate worlds, understanding the process of rural- urban seasonal migration in india, urban india, volume34, issue 1, January- Jun, 2014. Pages 9-33
- zohry,Ayman.(2002) unskilled temporary labor migration from upper Egypt to Cairo. CEDEJ conference.www. EGYPOP. ORG /zohry/thesis /

